

بازنمایی اجتماعیات در ادبیات کردی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۴

حسین محمدزاده^۱

استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

چکیده

هدف این مقاله بررسی بازنمایی موضوعات اجتماعی در ادبیات کردی است. ادبیات کردی مجموعه‌ای پراکنده در دو قالب نظم و نثر می‌باشد که در دو بخش کتبی و شفاهی قابل تقسیم بندی است. مبانی نظری این مطالعه ریشه در مبحث بازنمایی و مباحث متکثری است که در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات جریان دارد. در این تحقیق از روش اسنادی و شیوه نمونه‌گیری نظری است که طی آن شش اثر ادب کردی از هر دو بخش کتبی و نظری برای مطالعه انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تاریخ اجتماعی و مسائل و مشکلات آن در هر دو بخش کتبی و شفاهی در سطحی وسیع بازنمایی شده است و از همین راه است که بخشی از تاریخ و اجتماع را می‌توان بازخوانی و بازسازی کرد.

کلیدواژه‌ها: اجتماعات، ادبیات کردی، ادبیات شفاهی، ادبیات کتبی

۱- مقدمه

هیچ جامعه‌ای بدون ادبیات نیست و هیچ ادبیاتی در خلاء اجتماعی خلق نمی‌شود. جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که به مطالعه تاثیر و تاثر اجتماع بر ادبیات و پذیرش ادبیات در جامعه می‌پردازد. اجتماعات در ادبیات مفهومی است که در ایران بیشتر به جای جامعه‌شناسی ادبیات متداول گشته است (ارشاد، ۱۳۹۱: ۱۱). هرچند این مفهوم در این معنا نارس بوده و به همین خاطر یوسفیان آن را یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی ادبیات به حساب می‌آورد (یوسفیان، ۱۳۷۸). جامعه‌شناسی یکی از رشته‌های مدرن علوم انسانی است که به «مطالعه زندگی اجتماعی، گروه‌ها و جوامع انسانی می‌پردازد» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۰). لوکاج که رابطه‌ای میان ادبیات و جامعه‌شناسی دیالکتیکی تعریف می‌کند، بر این باور است که «ادبیات را هرگز نباید جدای از فرایند تکاملی زندگی در نظر گرفت» (لوکاج، ۱۳۷۳: ۱۳۷). جامعه‌شناسی ادبیات یکی از جوانترین رشته‌های جامعه‌شناسی است که به رابطه و تاثیر و تاثر جامعه بر ادبیات و ادبیات بر جامعه می‌پردازد، اسکارپیت «جامعه‌شناسی ادبیات را مطالعه میان آفرینش‌گران (نویسنده، شاعر... آثار) کتاب، شعر، تئاتر) و مردم (مصرف‌کنندگان) معنا می‌کند» (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۹). مباحث زیادی حول جامعه‌شناسی ادبیان و گرایش‌های آن در جریان است اما هدف این مطالعه بررسی بازنمایی موضوعات اجتماعی در ادبیات کردی است. ادبیات کردی که پیشینه‌ای عظیم از نظم و نثر در دل خویش نهفته دارد کمتر از نگاه علوم اجتماعی جدید مورد کنکاش و واکاوی قرار گرفته است. با توجه به این امر که تاریخ اجتماعی و مسایل عدیده اجتماعی آن کمتر چاپ شده است و بحث‌های جدید مسیرسختی را می‌آزمایند پرسش این تحقیق این است که آیا امکان بازنمایی اجتماعیات در ادبیات کردی امکان‌پذیر است؟ و اگر هست کم و کیف این بازنمایی چگونه است؟

۲- جامعه‌گردی

با این تعریف مقدماتی برای بررسی اجتماعیات در ادبیات کردی لازم است هرچند بصورت مختصر خصوصیات فرهنگی و ادبی این جامعه بیان شود. کردها مردمانی هستند آریایی که امروزه در میان کشورهای ایران و عراق و ترکیه و سوریه و بخشی

از ارمنستان و آذربایجان سکنی گزیده‌اند، بخشی از آن‌ها در پایتخت چهار کشور مذکور و عده زیادی در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند (مه‌ریوان، ۲۰۰۶: ۷۷). جمعیت کردها در جهان در حدود ۳۰ میلیون نفر برآورد می‌شود (ولی، ۲۰۰۵). کردهای ایران در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و ۱۵۹ روستای هم‌دانش ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

کردها در گذشته در یک سرزمین واحد و وابسته به امپراطوری ایران زندگی می‌کردند. در سال ۱۵۱۴ بخش بزرگی از آن‌ها از ایران جدا و به امپراطوری عثمانی سابق الحاق گشت. این بخش جدا گشته پس از جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۲۰ مجدداً به دو بخش دیگر تقسیم شد بخشی به سوریه و بخشی به عراق ضمیمه گشت که به ترتیب تحت الحامیه کشورهای فرانسه و انگلستان بودند.

زبان کردی وابسته به زبان‌های ایرانی و از شاخه هندو اروپایی است. «تحقیقات زبان‌شناسی مشخص ساخته‌اند که زبان کردی منسوب به مجموعه‌ای از زبان‌های ایرانی است که شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی است و زبان‌های کردی، فارسی، افغانی و تاجیک را در بر می‌گیرد» (خلیقی، ۱۹۹۲: ۲۵۸). استفاده از زبان کردی بطور رسمی در مدارس عراق به زمان تشکیل این کشور برمی‌گردد. به همین خاطر زبان کردی در کردستان عراق رشد و نمو قابل توجهی داشته است. در ایران گرچه در قانون اساسی کاربرد زبان اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده است اما این زبان در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس نمی‌شود. وضعیت ادبیات کردی در ترکیه تا سال‌های کنونی رضایت بخش نبوده، اما این روند در سال‌های اخیر تغییر کرده است. در سال ۱۳۸۸ در ترکیه بیش از سیزده انتشارات کردی مجوز گرفته‌اند و وزارت علوم ترکیه تدریس زبان کردی در دانشگاه به رسمیت شناخته است. کردهای سوریه بیشتر فعالیت‌های ادبی خود را از طریق انتشارات کشور لبنان به انجام می‌رسانند. زبان و ادبیات کردی پیشتر در روسیه و ارمنستان اما امروزه در فرانسه و آمریکا و سوئد تا سطوح دکتری آموزش داده می‌شود. دانشگاه‌های متعددی از جمله دانشگاه آکزتر در لندن مرکزی برای مطالعات کردی باز نموده است که دانشجویان در سطوح تحصیلات تکمیلی در آن مشغول تحصیل هستند.

از نظر مذهبی کردها اغلب سنی بوده اما در کردستان اقلیت‌هایی شیعه، مسیحی، یهودی، زرتشتی، علی‌اللهی و ایزدی هم وجود دارند. بخشی عظیمی از ادبیات

کلاسیک کردی بر خاسته از نهاد مسجد و حاصل تلاش روحانیون و طلبه‌های خوش ذوق بوده است. زبان کردی دارای لهجه‌ها و زیر لهجه‌های متعددی است و در مورد تقسیم بندی آن میان صاحب نظران اختلاف عقیده وجود دارد. فواد حمه لهجه‌های مختلف زبان کردی را پس از نقد سایر دیدگاهها بدین شیوه تقسیم بندی می‌کند:

- ۱- لهجه کرمانجی شمالی (بایزیدی، همکاری، بوتانی، شمدینانی، بهدینانی)
- ۲- لهجه میانه؛ مکر، سورانی، اردلانی، سلیمانی، گرمیانی
- ۳- لهجه جنوب؛ لری، بختیاری، ممسنی، کلهر...
- ۴- گوران؛ گوران اصل، اورامی، باجلانی، زازا (فواد، ۱۹۸۵: ۴۰).

علاوه بر پراکنده‌گی لهجه و گویش‌های زبان کردی رسم الخط آن هم یکسان نیست. کردهای ساکن ایران و عراق از الفبای عربی و کردهای ترکیه از الفبای لاتین کمک می‌گیرند (اوزون، ۲۰۰۳: ۳۷) و کردهای که در ارمنستان و سایر جمهوری سابق شوروی سکنی گزیده اند از الفبای سیرلیک. بیان این چند گونگی و تفاوت‌ها قطعاً بر ادبیات قوم کرد تأثیر ژرف گذاشته است بطوری که این پیش زمینه‌ها و زندگی در شرایط مختلف ادبیات بسیار متفاوت و متنوعی در کردستان به وجود آورده است. اتفاقی نیست که هیچ نظر واحدی در مورد تاریخ ادبیات کرد مورد قبول صاحب نظران این بخش واقع نشده است. علاءالدین سجادی در کتاب تاریخ ادبیات کردی آن را به سه دوره تقسیم می‌کند از جمله:

- ۱- ادبیات قدیم داستان از آغاز دوران اسلامی
- ۲- از ابتدای قرن هفتم میلادی تا قرن ۱۷ میلادی
- ۳- از قرن ۱۷ تا کنون (سجادی، ۱۳۶۱: ۷۰).

بختیار سجادی در تقسیم بندی تاریخ ادبیات کردی ضمن نقد تقسیم بندیهای تاریخی (دیاکرونیک) از یک تقسیم بندی دوره‌ای یاد می‌کند و آنرا به پنج دوره اردلان‌ها، بابان‌ها، خالدی‌ها، ادبیات قرن نوزده و اوایل سده بیست و قرن بیست تقسیم بندی می‌کند. محمد اوزن رمان نویس و محقق معاصر و متوفی کرد از تقسیم بندی ایالتی این ادبیات دفاع می‌کند از نظر او این دوران‌ها عبارتند از:

- ۱- مکتب کرمانجی شمال دوران جزیره بوتان که با شاعرانی چون علی حریری

(۱۴۹۰-۱۴۲۵)، ملا احمد باقی (۱۴۹۵-۱۴۱۴) ملا جزیری (۱۶۴۰-۱۵۷۰)، فقی طیران (۱۶۶۰-۱۵۹۰) و احمدخانی (۱۷۷۰-۱۶۵۱).

۲- مکتب کرمانجی زیرین یا سورانی به رهبری نالی (۱۸۵۵-۱۷۹۷)، سالم (۱۸۶۶-۱۸۰۰)، کردی (۱۸۴۹-۱۸۰۳) حاجی قادر (۱۸۹۷-۱۸۱۷)، شیخ رضا طالبانی (۱۹۱۰-۱۸۳۶) وفایی (۱۸۹۲-۱۸۳۶) ادب (۱۹۱۷-۱۸۶۲)، محوی (۱۹۰۹-۱۸۳۰).

۳- مکتب اردلان که نقشی بسزرا را در توسعه این ادبیات داشت و زبان ادبی آن اورامی بود، بصرانی (۱۷۰۲-۱۶۳۱) خانانی قبادی (۱۷۵۹-۱۷۰۰)، مولوی (۱۸۸۲-۱۸۰۶) (اوزون، ۲۰۰۳: ۲۳).

این تقسیم‌بندی اگر قابل دفاع هم باشد ولی به آن ایراد جدی وارد است. اما در این شرایط نمی‌توان حکم کلی درباره این تقسیم‌بندی صادر کرد لیکن فراتر از هر نوع تقسیم‌بندی این ادبیات دارای دو بخش شفاهی و ادبی است که تاکنون مطالعه دقیق و گسترده‌ای در مورد هیچ کدام از آن‌ها انجام نشده است. بخش نوشتاری ادبیات کردی اکثراً در قالب شعر بیان شده است. کدکنی در یک تقسیم‌بندی استادانه شعر اجتماعی در قالب چهار گونه شعر حماسی، غنایی، نهایشی و تعلیمی دسته‌بندی می‌کند. شعر حماسی نوعی شعر داستانی است که جنبه آفاقی دارد و هنرمند از خود تعریف نمی‌کند. شعر غنایی حاصل لبریزی احساسات شخصی است و محور آن من شاعر است. شعر نهایشی قدرت در نظم و سرعت در تصویرگری حوادث است. شعر تعلیمی در واقع محتوی آموزشی دارد (کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۳).

۳- اجتماعیات در ادبیات کردی

شعر کردی را می‌توان در دو بخش کلاسیک و نو معرفی کرد، غیر از «خانگی» و «حاجی قادر» که شعر حماسی سروده‌اند، قالب شعر اکثریت ادبیات کلاسیک غزل و محتوی آن غنایی است. بزرگترین شاعران کلاسیک کرد خانگی و نالی و محوی و مولوی و از نوپردازان می‌توان گوران، شیرکو، په‌شیو، جلال ملک‌شاه، انور قادر محمد، رفیق صابر و لطیف هلمت را نام برد. مولوی، محوی و جریری مشهورترین شاعران تصوف کردی هستند. شیخ رضا طالبانی که به چهار زبان فارسی، کردی، عربی و ترکی شعر هجو آمیز سروده است در نوع شاعری نامی و سر آمد است

(تاله بانى، ۲۰۰۳). غير از ژانر شعر، ادبيات كردى در سالهاى اخير در ابعاد رمان و تئاتر هم رشد قابل توجهى داشته است. از رمان نويس هاى مشهور محمد اوزون، محمود باكسى، حسين عارف، محمد مكري، بختيار على و عطا نهايى را مى توان بر شمرد اما هر نوع تقسيم بندي در حوزه ادبيات شفاهى كاري بس مشكل است. واسيلى نيكيتين مى گويد «آنچه در مطالعه ادبيات كردى آدم را شگفت زده مى كند رشد بيش از حد فولكلور آن است» (نيكيتين، ۱۳۶۳: ۴۹۸).

شيخ عبدالوحيد مى نويسد: «پيش از پانصد سال است كه كتاب هاى كردى در تصوف، قصص و ترانه هاى فولكلوريك به رشته تحرير در آمده است» (عبدالواحد، ۱۳۷۸). دامنه اين فولكلور هم بسيار فراخ و گونه هاى مختلفى ادب شفاهى مثل ترانه هاى مذهبي و عاشقانه و ترانه هاى كار و جنگ و قصص و ضرب المثل ها در بطن دارد و خود كارهاى ديگرى مى طلبد (محمدزاده، ۱۳۸۵). آن چه كه مسلم است اين است كه شعرا و دانشمندان در طى قرن ها شعر و داستان و كتاب هاب خود را به فارسى و عربى و تركى نوشته اند. بسام كرد اولين شاعر كردى است كه به فارسى شعر سروده است و در سال ۲۶۵ هـ ش وفات يافته است (خلىقى، ۱۹۹۲: ۲۸۴). اگر در هر يك از انواع ادبى، نثر به طور كلى ديرتر از شعر به وجود مى آيد (كدكنى، ۱۳۸۷، ۱۸). اين امر در مورد ادبيات كردى صادق بوده و شعر در آن قبل از رمان و داستان کوتاه به وجود آمده است (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۰۴). حيرت سجادى مى نويسد «خطه كردستان زمانى دارالعلم بوده اساتيد برجسته و نام آورى در انواع علوم قديمه ظهور نمودند كه اغلب كتاب ها و اثرات سودمندی از آن ها بر جاى مانده است و كتب رجال مخصوصا وفيات الاعيان ابن خلكان از آنان به خوبى ياد نموده است» (مدرس، ۱۳۶۳: ۱۴).

عليرغم اين نوسانات، شعر كردى سابقه چند قرن، روزنامه كردى سابقه اى بيش از ۱۰۰ سال دارد^۱ و سابقه رمان كردى هم نزديك به يك قرن مى رسد (خزنه دار، ۲۰۱۰، اوزون، ۲۰۰۳، بوره كه يى، ۱۳۷۰). اين مجموع كار در بر گيرنده صدها اثر چاپ شده است و بررسى آن ها زمان و هزينه و نيروى انساني زيادى مى خواهد و اين امر از عهده اين مقاله خارج است.

در هر كار تحقيقي محقق لازم است موضوع مورد مطالعه را در ابعاد زمانى،

مکانی و موضوعی تحدید کند. به علت حجم عظیم ادبیات کتبی و شفاهی (اغلب شعر)، محقق لازم دید موضوع را به اجتماعات در ادبیات، و آن را به بخشی از این ادبیات که مربوط به کردستان ایران است محدود کند. بدین خاطر حوزه مطالعه به سه اثر در شعر کلاسیک و سه اثر در مورد ادب عامیانه، محدود شدند، در بخش ادب عامیانه و شفاهی به بررسی اجتماعات در ادبیات در سه کتاب «کانی مرادان»، «ژانه ژین» و «تحفه مظفریه» می‌پردازیم و در بخش شعر به بررسی مختصر اجتماعیات در ادبیات در شعر محمد امین شیخ الاسلامی (هیمن)، قانع و سواره ایلخانی زاده، بسنده خواهیم کرد. دلیل انتخاب کتب شفاهی تعداد کم این نوع چاپ‌ها و دلیل انتخاب سایر شعرا وجود وافر شعر اجتماعی آنها بوده است.

وقایعی که در ادبیات بازتاب می‌یابند آن‌هایی هستند که از نظر اجتماعی دارای اهمیت آن چنانی هستند که لازم است بازنمایی شوند تا در حافظه‌ها مانده و جزو خاطرات یک جامعه باقی بمانند. زبان که یک فراورده اجتماعی و بازتاب روح و حیات یک جامعه است فقط نقشی ارتباطی در این میان ندارد. اگر اسکیموها در نواحی شمالی کانادا زندگی می‌کنند و برای حالت‌های مختلف باریدن برف اسم‌های زیادی دارند و اعراب برای نام‌گذاری شمشیر زبان‌شان این چنین تواناست (Nolan&Linski, 1999:33) زبان کردی در نام‌گذاری بخش‌های مربوط به آب و هوا، نام‌گذاری صداهای مختلف برای سنگ و چوب و گلوله و صدای حیوانات مختلف، نام‌گذاری عمل جنسی برای انسان و حیوانات، و نام‌گذاری سیر تکاملی حیوانات اهلی در حدامعجاب‌انگیزی غنی است. این امر نشان‌دهنده محیط کوهستانی و شیوه‌های شایع زندگی مثل دامپروری و کشاورزی در میان جامعه کردی در گذشته بوده است. بلافاصله بایستی اضافه کرد که سابقه شهرنشینی در کردستان کم‌رنگ نیست و امروزه جامعه کردی یک جامعه شهری است.^۱ اجتماعیات در ادبیات تنها بازتاب شیوه معیشت نیست، بلکه بازتاب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، سنن، آداب و رسوم، مراسم‌های زندگی اعم از تولد و عروسی و شیون و مرگ، جنگ‌های قبیله‌ای و تاریخی، قشربندی اجتماعی، شیوه‌های مالکیت بر زمین، محصولات مختلف کشاورزی، حوادث طبیعی و... که در ادبیات بازتاب

۱- جامعه شهری به جامعه ای گفته می‌شود که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت آن در شهر زندگی می‌کنند. برای اطلاع بیشتر به مقاله مایکل روزنبرگ تحت عنوان کرد و شهر در مجله نویسا، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۳ مراجعه شود.

می‌یابند می‌تواند موضوع کار تحقیق باشد. این امر محقق را با حجمی از کار روبرو می‌سازد که گزینش متون به حدی مشکل و مسئولیت‌ساز می‌شود که ممکن است او را وادار به واگذاشتن کار کند.

الف) بررسی اجتماعات در ادب عامیانه

یکی از کتاب‌های که بخشی از موضوعات اجتماعی در آن انعکاس یافته کتاب «کافی مرادان» است که توسط محقق صلاح پایانیانی به چاپ رسیده است. او از طریق مصاحبه، ترانه‌ها و نواها را ضبط و آن را بصورت کتاب در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسانیده است. این کتاب راوی، آوازه‌های مردان و زنانی است که شعر و چکامه‌های را مربوط به صلح و جنگ و شیوه معیشت مردم و بی‌وفایی روزگار گفته‌اند، بررسی جزء به جزء این کتاب خارج از حوصله این مجال است و در این قسمت تنها به چند شعر می‌پردازیم که در یکی از آن‌ها به موضوعی تاریخی اشاره دارد که در نگاه اول غریب می‌نماید و آن بحث تجدد آمرانه رضاشاه در آن انعکاس یافته است.

نیزام نیزام په‌یدا بوو خوژگه‌م به وانه‌ی پیرن
به سه‌ربازیان نووسیوم ده‌مبه‌ن بو قه‌سه‌ر شیرین
(پایانیانی، ۱۳۸۳: ۹۴).

«شایعه نظام، نظام بر زبان‌ها جاری است، ای کاش مردی سالمند بودم، چرا که من را جهت سربازی نام نویسی کرده‌اند و من را به «قصر شیرین» اعزام خواهند نمود».

این شعر اشاره به ایجاد سیستم ارتش جدید در ایران دارد که جوانان را جهت سربازی که در آن زمان اجباری نام داشت به پادگان‌ها اعزام می‌کنند که در آن موقع یکی از پادگانها در قصر شیرین بوده است، از آنجا که سربازی رفتن اختیاری نبود جوانان را در هر کوی و برزن می‌گرفتند و به پادگان اعزام می‌کردند. این سیستم نوین آموزشی همراه با پوشیدن کلاه پهلوی و لباس رسمی بود که در شعر دیگری اینگونه انعکاس یافته است.

له‌خه‌یابانی شاری له‌کووچان ریم که ریم که

... .. "په‌هله‌وی" ده‌لی شه‌پکه له‌سه‌رکه
(پایانی، ۱۳۸۳: ۹۸).
« خیابانهای شهر، در کوچه پناهم ده، پناه/ لعنت بر پهلوی باد،/ اوست
می‌گوید کلاه پهلوی بر سر بگذار.»
ستم و استبداد رضاشاه همگانی می‌شود و این استبداد این بار در لای لای
مادران بازتاب می‌یابد.

لایی لاییت بو ده‌که‌م به دل و به گیان
خوا بتپاریزی له به‌لای ره‌زاخان
(پایانی، ۱۳۸۳: X۱)

«از ته دل و جان برای تو لای لای می‌خوانم/ خداوند ترا از بلای رضاخان
محفوظ بدارد.»

می‌دانیم همراه با استبداد، نظم هم شکوفا می‌گردد، در شعری عاشقانه این نظم
استبدادی به زیبایی انعکاس یافته است.

له ژیللا هاتی بالت ر‌اوه‌شانند
وه‌ک "ئه‌علاحه‌زره‌ت" دونیات دامه‌زراند"
(پایانی، ۱۳۸۳: ۶۵)

«زان دور دست‌ها که شتابان آمدی و دست تکان دادی/ چونان اعلیحضرت،
نظم برقرار نمودی!»

ژانه ژین (که‌ریزی، سلیمی، ۱۳۸۷): این کتاب مجموعه‌ای از لالایی‌های
مادران در نقاط مختلف کردستان ایران است. در این لالایی‌ها آرزوی مادران آرزوی
یک مادر در یک جامعه پر محنت و مردسالار پر از رنج و اضطراب است. دعاها و
طلب کمک از خداوند و ملائک برای درمان دردهای صعب‌العلاج، در امان بودن
پدر، عمو و دایی‌هاست. دعا برای نجات کودک از تب عفونت و بیم‌گرگ‌نایان
است. نهادهای به کار رفته در این ترانه‌ها اجتماعی و جامعه‌شناختی هستند. تب
نشانه بیماری عفونی است چرا در یک جامعه فقیر و در حاشیه مانده، تب و عفونت
امری قابل انتظار است. گرگ‌نشانه زندگی در منطقه کوهستانی است. در میان

باورهای عامیانه کردها گرگ حیوانی ترسناک است و تنها حیوانی است که تنها از سرو صدا رم نمی‌کند بلکه به سوی آن می‌شتابد. در عین حال دعاها نشان دهنده ناتوانی ساختاری زن در تقابل با محیط است. اهمیت پدر، عمو و دایی‌ها به سادگی نشانی از زندگی پدر سالاری و یا مادر سالاری نیست. چراکه در مادر سالاری دایی‌ها اهمیت پیدا می‌کنند. این امر نشانه نقش حمایتی و سپر بلا بودن مردان در قبایل نامالییات زندگی است.

یا سولتانی مال لهو قهد و به‌رزه
کورپه‌که‌م نه‌گری قهت تهب و له‌رزه

(کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷: ۵۷)

«ای سلطانی که بر بلندا منزل داری، فرزندم را از تب و لرز برهان».

گورگانه شه‌وی، گورگانه شه‌وی به‌رخه بچکۆله‌که‌م خه‌وی لی‌ که‌وی
(کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷: ۷۰).

ترجمه/ شب‌گرگی، شب‌گرگی است، نازنین کوچولوی من لا لا کن.

تخفه مظفریه: این کتاب توسط محقق آلمانی اسکارمان تهیه شده و به زبان فارسی ترجمه شده و چون تحقیق در زمان مظفرالدین شاه به پایان رسیده است، آنرا تحت تخفه مظفریه به مظفرالدین شاه قاجار تقدیم نموده است. این کتاب در برگیرنده چندین «بیت» است که به موضوعات دینی و اجتماعی مختلفی می‌پردازد. بیت داستانهای که توسط شعر بیان شده‌اند اما شعرها دارای وزن خاصی هستند و در مناطق خاصی در کردستان شایع‌اند که امروزه در آذربایجان غربی، تحت عنوان «مُکری» شناخته می‌شوند.

اهمیت کتاب را نمی‌توان در چند صفحه خلاصه کرد، محقق آلمانی دو سال مشغول مصاحبه با افرادی بوده است که این شعرها را از در سینه‌ها حفظ کرده بوده‌اند. بیت‌ها مشتمل بر داستانهای جنگی، تاریخی و ماجراهای عاشقانه هستند، لغات بکار گرفته در آن‌ها اسم مکان‌ها، ادوات و وسایل قدیمی در آن بازتاب یافته است. یکی از داستانهایی که در این کتاب بازتاب یافته است داستانی مربوط به دوران صفویه، یکی از حاکمان منطقه تحت عنوان «ابراهیم» قلعه‌ای می‌سازد و آنرا بر کوهی بلند بنا می‌هد، شیوه ساختن قلعه، شیوه تهیه آب قلعه، بناسازی آن و در

نهایت درگیری سرداران صفوی با ابراهیم خان و شیوه گلوله باران قلعه و اسم توپ های جنگی قدیمی تحت عنوان «بالمیز» شیوه تقسیم کار جنگی، نقش زنان و سلاح های جنگی آمده است.

در این جنگ شاه اسماعیل از طریق نیروهای خود در منطقه به قلعه حمله می کند و آن را به توپ می بندد، اسم توپ ها به کار گرفته شده در این نبرد «اصفهان، افشاری و بالمیز» بوده است. نمونه زیر را بنگرید

دم دم به ردی مهیدانی، لئی دهن توپی ئیسفه هانی

توژ گرتی بهری ئاسمانی مهرد چاک تیدا، ده گرن مانی

(ئوسکارمان، ۱۳۶۴: ۲۰۷).

قلعه «دمدم» از سنگ بنا شده است، آن را با توپ اصفهانی در هم می کوبند، گرد و خاک آسمان را تاریک نموده است، مردان در آن در کمین اند.»

ب) بخش نوشتاری

هیمن مشهورترین و نازک بین ترین شاعر معاصر کردستان ایران است. شعر هیچ شاعری به اندازه شعرهای او به ترانه تبدیل نشده اند، برای او مجسمه ساخته اند و برایش کنگره گرفته اند. «هیمن» به معنای فنی کلمه شاعری تصویر پرداز و زیبایی شناس است. جامعه شناسی احساس^۱، زیبایی، خانواده، اهمیت سرزمین و فاصله آرزوها و واقعیت و موانع ساختاری آرزوها از نمودهای اجتماعی در شعر هیمن است. یکی از کتاب های برجسته هیمن «ناله جدایی» است که مانیفست زندگی هیمن و دنیایی رماتیک او است، هیمن شاعری عدالت خواه است، عدالت خواه نه به معنای سوسیالیستی، دفاع از مظلوم بدون تحلیل طبقاتی، دفاع از زنان، دفاع از روستایی در مقابل شهری، دفاع از دهقان در مقابل خان در شعرهای او موج می زند، اجتماعیات در ادبیات استاد هیمن بسیار گسترده و چشم گیر است اما در این مجمل به یکی از نمودهای آن می پردازیم که رابطه و پیوستگی زندگی اجتماعی تأکید می کند و تنهایی و دوری و غربت و فاصله از اجتماع و ارزش های آن را عامل تنهایی و بدبختی و انحراف می داند. دورکیم جامعه شناسی است که شاکله بحث او توجه به نظم و

انسجام اجتماعی است، از نظر این جامعه شناس عامل انحراف اجتماعی ناشی از شدت و ضعف همبستگی فرد با زندگی اجتماعی است.

جا که سه‌رخ‌وش بووم به ده‌نگیکی نه‌وی
 بؤ ده‌لیم نه‌و شیعه به‌رزه‌ی مه‌وله‌وی
 بشنو از نی چون حکایت می‌کند
 از جدایی‌ها شکایت می‌کند
 نابی قهت ناله‌ی جوودایی بی‌نه‌سه‌ر
 جا چ نه‌ی بیکا چ پی‌اوی ده‌ربه‌ده‌ر
 بو‌یه ناله‌م تیکه‌لی نه‌ی کردووه
 شیوه‌نیکم پییه نه‌ی نه‌یکردووه
 شیوه‌نی من شیوه‌نی ئینسانیه
 بانگی ئازادی و گرو‌ی یه‌کسانیه

(همین، ۱۹۷۹: ۱۴)

ترجمه: «در آن هنگام که مست شدم با صدایی آرام و حزین / بریت می‌خوانم آن شعر وارسته «مولوی» را / بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدائی‌ها شکایت می‌کند / ناله فراق هرگز بی اثر نخواهد ماند / این ناله چه از «نی» برخیزد یا از انسان «آواره» / بدین منظور ناله‌ام را بانی ترکیب نموده‌ام / شیونی دارم، نی از آن ناتوان بوده است / شیون من، شیون انسانیت است / غریو آزادی و بهانه یکسانی است».

یکی از مباحثی که در جامعه‌شناسی مورد مباحثه جدی و اکنونی است، بحث استفاده از تکنولوژی است، تکنولوژی از علم و نگاه علمی برمی‌خیزد که در خدمت انسان و آسایش اوست، اما این تکنولوژی همچنان که چیزهایی به زندگی انسان می‌بخشد چیزهای را از او می‌گیرد، یکی از سخت‌ترین جهت‌گیری‌ها نسبت به نقش تخریبی تکنولوژی در زندگی انسان توسط اعضاء مکتب فرانکفورت بیان شده است، همین در شعری شاعرانه از روابط منفی تکنولوژی و زیبایی می‌گوید:

له‌و ده‌مه‌ی را دل‌م لیداووه بؤ ژوان من دیوانه‌ی چاوی جوانم، چاوی جوان
 گه‌رچی خه‌لکی ولاتی چاو جوانانم چاوی جوانم نه‌دی قهت به چاوانم

هه‌تا لاو بووم چاوی جوانم لی و ن بوو په‌چه و چارشپیوم دوژمن بوو
 ئیستا که پیرم و که‌وتوومه ئاویلیکه چاوی جوانم لی و ن ده‌کا چاویلیکه
 (هیمن، ۱۹۷۹: ۹۲)

«از زمانی که دلم در طپش میعادگاه بوده است، من شیدای چشم‌های زیبا
 بوده‌ام، اما گرچه فرزند سرزمین زیبا چشم‌هایم، چشم زیبا را هرگز با چشم‌هایم
 رویت نکرده‌ام، تا زمانی که جوان بودم چشم زیبا از من پنهان بود، چرا که روسری
 و چادر مانع بودند، اکنون که پیر و پا در لب‌گور دارم، عینک‌ها چشم زیبا را از
 من پنهان می‌دارند».

انتقاد از زر و زور و تزویر، نقد بی‌امان روابط زمینداری، وصف زندگی روستایی
 و مبانی اخلاقی یک زندگی آرام جزو اصول زندگی اوست. او در یکی از شعر
 هایش بحث جابه‌جایی ارزش‌ها را این‌چنین بیان می‌کند:
 به‌لام زیرت نه‌بی، سووکی نه‌گه‌ر تو بد‌هی ده‌رسی هه‌زاری وه‌ک شکسپیر
 «تو گر پول نداشته باشی، جایگاهی نداری، حتی اگر معلم شکسپیرها باشی».

در شعر معاصر کردی دفاعی جانانه از حقوق زنان می‌شود و به همین خاطر
 جامعه پدرسالار به چالش کشیده می‌شود:
 ده‌رکی دا‌خستوه له تو بابت که‌چی ده‌رکی نیه ده‌رکه داخستن له تو ده‌رکی
 هومید داخستنه. / ترجمه / «در از تو بسته پدر بی‌درک / نمی‌داند در را بر تو بستن،
 در امید بستن است».

دومین اثر از آن «قانع» است. قانع (۱۹۶۵-۱۸۹۸) بی‌شک شاعرترین، شاعر
 در ادبیات کردی نیست اما احتمالاً یکی از روشنفکرترین و آزاداندیش‌ترین آن‌هاست.
 یک روحانی نستوه و شجاع که از آداب و رسوم دست و پاگیر، ناهنجاریهای اجتماعی
 و طبقات سودجو را به باد انتقاد می‌گیرد و برای رسیدن به آزادی آماده است هر نوع
 هزینه‌ای را پرداخت کند. قانع جغرافیا، قشربندی جامعه، روابط طبقاتی جایگاه
 زنان، پارلمان را به شیوه واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشد و نقد می‌کند، نقد او شیوخ
 محلی، ملاها، خان‌ها، اعضاء پارلمان و منصوبین ملاک و حتی شکارچی کبوتر را به
 نقد و چالش می‌کشد. قانع به شیوه‌ای استثنای از حقوق برابر زنان دفاع می‌کند.

قانع به خاطر شفافیت در گفتار و نقد بی امان قدرت دوستان و دشمنان زیادی داشته و علی رغم اینکه وی یک مسلمان خدا شناس بوده و در شعرهای متعدد به این امر اشاره نموده است (قانع، ۲۰۰۵). فرصت طلبان او را به کفر گویی متهم کرده‌اند، خود وی در شعری به این امر اشاره می‌کند.

به کوفری تئ مه‌گه‌ن شه‌عاری وردم هه‌مووی پهنه‌د و دور و مه‌رجانه بۆتان
(قانع، ۲۰۰۵: ۵۱)

«اشعار عمیق من را کفر به شمار نیارید. / تمام شعرهایم، مثل در و مرجان است برای شما».

در کردستان علاوه بر مذاهب شیعه و سنی، فرقه‌های نقشبندی و قادری هم وجود دارد که پیروان آن‌ها به ترتیب خود را «درویش» و «صوفی» می‌نامند. گاهاً بعضی از مرشدان این فرقه‌ها، قرائت‌های سخت‌گیرانه‌ای از دین و زندگی دارند که با تغییر و نوآوری در زندگی در تضاد هستند. قانع در یکی از شعرهایش این خشک‌اندیشی را چنین به باد انتقاد می‌گیرد:

بئ قه‌زابئ مامه «سۆفی» تا کوو بئ ریش پان شه‌کا،
قل به فل حالی بووه، چی ئیدیعیایی ویژدان شه‌کا
وا دراوسی که شفی مانگ و رۆژ شه‌که‌ن، ئیمه‌ش شوکور
کا که درویش وا خه‌ریکه، که شفی دۆله‌ی نان شه‌کا
مامۆستا کانمان شه‌لین زۆر سونه‌ته سواری به‌که‌ر
هه‌ر که‌سه‌ی سواری به «فورد» کا، خۆی شه‌ریک شه‌یتان شه‌کا

(قانع، ۲۰۰۵: ۷۴).

«عمو «سوفی» سلامت بادا، تا بماند ریش می‌گذارد / «قل» را به فل فهمیده، اما از وجدان سخن می‌گوید / همسایگان مشغول کشف خورشید و ماه هستند» منظور سفر یوری گاگارین، به کره به ماه است» شکر خدا ما هم درویش برادر، مشغول کشف جا «نانی» است. / پیشروان ما می‌گویند، سواری با خر سستی است بس دیرینه / هر کسی با ماشین «فورد» سفر کند، خود را شریک شیطان می‌گرداند».

وقتی دانش تجربی تحت عنوان علم پا گرفت، عده‌ای آن را چون آئین جدید،

دوران جدید نگرسته و نوعی پرستش و پیروی از آن را پیشه کردند، سیانیتسم یعنی علم‌گرای ایدئولوژی پوزیتیویستی بود که پیروان و مریدان زیادی داشت. غیر از منتقدانی مثل نیچه، ده‌ها سال طول کشید که ضرورت علم و عقل به چالش کشیده شود، قانع این منتقد هوشمند در شعر «همراه با علم» در چند شعر از علم استقبال می‌کند اما استقبال او نه کورکورانه و پرستش‌گرانه بلکه عقلانی و انتقادآمیز است، بنگرید

چاکی چلۆنی مه‌رحه‌با زانین بۆ پیشکه‌ونتت هه‌زار ئافه‌رین
 باوه‌رم هه‌یه به سیدق و یه‌قین هه‌ر تو پیش ئه‌خه‌ی کۆمه‌لی بی‌تین
 شیره‌گه‌ر چه‌کت کرد به‌کاره‌با ئاسن و دارت وه‌ک که‌ر بار ئه‌با
 بی‌ته‌لت وشه‌شار و شار ئه‌با ئافه‌رین له‌توو زانین مه‌رحه‌با
 له‌دوو پارچه‌دار سنوقی ئه‌که‌ی ده‌نگی رۆژه‌لات بۆ مه‌غریب ئه‌به‌ی
 گه‌رچی جارجاریش زه‌ره‌یش ئه‌ده‌ی مشته‌کۆل له‌ده‌م هه‌زاران ئه‌ده‌ی
 به‌لام ئه‌ی زانین، لیم زویر مه‌به تۆ سه‌ر ئه‌ره‌ستوو لیم دلگیر مه‌به
 چه‌ز ئه‌که‌م گه‌نج بی، هه‌رگیز پیر مه‌به لابه‌خزمه‌تکار، شا و وه‌زیر مه‌به
 هه‌ر تۆش ئه‌سه‌بابی خوین رۆزاندنی هه‌ر تۆش ئه‌سه‌بابی میشک پۆزاندنی
 هه‌ر تۆش واسیته‌ی ژن قیژاندنی هه‌ر تۆش واسته‌ی خاک بیژاندنی
 گشت خه‌تای تۆیه‌ئاهی دلی ته‌نگ گشت خه‌تای تۆیه‌له‌رۆوی گیتی جه‌نگ
 تۆ بیده‌سه‌لات ئه‌گۆری له‌ده‌نگ مالی خه‌لک ئه‌خۆن به‌لووله‌ی تفه‌نگ
 (قانع، ۲۰۰۵: ۱۸۴)

«دانش، چطورری، درود بر شما، برای پیشرفت و تلاش تو هزار آفرین، / من اطمینان و یقین دارم فقط شما هستید که جوامع عقب‌افتاده را به پیش خواهی برد / شما روغن کرچک را به برق ارتقاء دادی، آهن و چوب تو ماشین است که الاغ بار می‌کشد / بی‌سیم تو پیغام را شهر به شهر می‌برد / آفرین بر تو، هزار آفرین، / از دو تخته چوب صندوق می‌سازید (تلویزیون) / صدای شرق را به غرب می‌رسانید / گرچه گه‌گاهی آسیب هم می‌رسانی / و مشت بر دهان فقرا می‌کوبید / اما ای دانش از من نگران نباش / تو را به ارسطو قسم میدهم از من دلگیر مباش / دوست دارم جوان بهانی و پیر نشوی به سوی ضعیف‌بیا، شاه و وزیر مباش / دانش تو اسباب خونریزی هم هست / تو اسباب متلاشی‌شدن مغزها هم هستی / تو علت و عامل

غریو زنان هستی / تو علت، زمین های سوخته / آه و ناله رنج دیدگان از توست /
عامل جنگ دو گیتی تو هستی / تویی قدرتان را غره می - سازی / که ملک مردم را
به زور می ستاند».

قانع شاعر طرفدار راستی و حقیقت است و هر مانعی را مد نظر دارد و
نمی خواهد روح سرکش خود را خوار کند. او علیرغم این که یک زندگی فقیرانه ای
افتخار آمیز داشته و می دانسته است اگر قلم را در راههای دیگر به کار گیرد در امد
بهتری با هزینه وجودی خواهد پرداخت. قانع می نویسد:

قه‌لهم هؤشت له سه‌رخۆ بی، نه‌نازی قهت به دوو زمانی
زمانت لاله لهم باسه، نه‌نووسی شه‌وکه‌تی جه‌بار

(قانع، ۲۰۰۵: ۱۱۷)

«قلم هوشیار باش، در منافقی هرگز افتخاری نیست / زبانت باید لال باشد و
هرگز از شوکت جبار نگوید».

سومین اثر کتبی مربوط به شاعر «سواره» است. سواره یکی از عالی‌ترین
شعرای معاصر و نوپرداز است. او متولد ۱۳۲۵ است که در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه
تهران لیسانس حقوق می‌گیرد، شعرهای او به زبان‌های کردی و فارسی است،
بخشی از شعرهای فارسی و کردی او در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده است، که ما
به بررسی اجتماعیات در آن می‌پردازیم. جامعه‌شناسی شهری یکی از رشته‌های
تخصصی جامعه‌شناسی است که به بررسی الگوهای رفتاری در شهر می‌پردازد.
مباحثات پیچیده و دامنه‌داری در مورد این حوزه در جریان است. به عنوان مثال
یکی از تفاوت‌های که در میان زندگی شهر با روستا وجود دارد این است که در
شهر رفتار بیشتر رسمی است و روابط صمیمی و چهره به چهره کاهش می‌یابد.
در شهر رفتار عقلانی، اقتصادی‌تر شده و از شدت عواطف و احساسات در رفتار
ها کاسته می‌شود. این شیوه فکر و رفتار بدون هزینه هم نیست و مشکلات خاصی
بدنبال دارد. یکی از جامعه‌شناسانی که به بررسی این شیوه رفتار پرداخته است
گئورک زیمل جامعه‌شناس آلمانی است. زیمل می‌گوید انسان‌ها در شهر با تقاضا
های زیادی روبرو می‌شوند آن‌ها بایستی به طور مرتب انتخاب کنند و از دست
بدهند از آن‌جا که انسان‌های شهری با نیازهای زیادی روبرو هستند اما نمی‌توانند
به همه آن‌ها پاسخ گویند دچار پدیده‌ای به نام «دلزدگی» می‌شوند. زیمل به همین

خاطر شهر را یکی از عواملی می‌داند که انسان را از خود بیگانه می‌کند. حال ببینید که این دلزدگی و از خود بیگانگی در شعر سواره به زیبایی انعکاس یافته است.

گولم دلم پرّه له دهرد و کولم ئەلیم برۆم له شاره کەت
 ئەلیم بە جامی ئاوی کانیاوی دێهە کەم
 عیلاجی کەم کولی دلی پرّم له دەردی ئینتزاره کەت
 وەرەز بوو گیانی من له شار و هارەهارپی ئەو
 له رۆژی چلکنی نەخۆش و تاوو و یاوی ئەو
 ئەلیم برۆم له شارە کەت، له شاری له بەر چرای نیئۆن شەوارە کەت
 برۆمە دێ کە مانگەشەو بزیتە ناو بزەم
 چلۆن بژیم له شارە کەت کە پر بە دل دژی گزەم
 له شارە کەت کە رەمزی ئاسن و منارە، مەلێ ئەوین غەواریه
 ئەلێی له دەوری دەست و پینم ئەوێ کە تیل و تان و رایە له کەله پچهیه
 ئەوێ کە پەیکەرە میسالی داوولە، ئەوێ کە دار تیلە، مەزەهری قەناریه
 له شارە کەت کە مەندی دوو کەله، کە دیتە دەر له مالی دەولە مەند و تیشکی
 بی گوناهی خۆر ئەخاتە بەند/ له هەر شەقام و کووچە بیک شە پۆری شینە دێ بەرەو
 دلم/ دەستی گەرمی ئاشنانییه کە ئە یگوشم دەستی چنوییه
 له شارە کەت زە لیلە شیر باوی رپوییه
 بە هەر نیگایینک و پەتایینکا ئەلیم برۆم له شارە کەت
 گولم هەرمی زۆنگ و زەلم، چلۆن ئەبیتە جار هگول
 له شاری تو له بانی عەر شە قۆندەرە دپراو
 شارە کەت، ئاسکە جوانە کەم، تەسکە بۆ ئەوین و بۆ خەفەت هەراو
 کێ له شاری تو له شاری قاتلی هەزار، گوی ئەداتە ئایەتی پەراوی دل
 منی کە گۆچی تاوی گەرمی بەر دەواری عە شیرە تم
 بە دارە تەرمی کووچە تەنگە کانی شارە کەت رانە هاتوو لە شم
 بناری پر بە هاری دێ رەنگی سوور و شین ئەدا، له شێعر و عاتیفە ی گەشم
 ئەلیم برۆم له شارە کەت

(سواره، ۱۳۷۲، ۱۲۸).

«گل من/ دلم لبریز از رنج و محنت سرشارست/ گویم کوچ کنم از دیار تو/ گویم

با آب چشمه ساران روستایم / علاج کنم التهاب درون را، از درد انتظارت / گل من
روح من از شهر و هیاهوی بسی خسته است / از روز کثیف بیماری و تب و تاب
شب‌هایش / گویم بروم ز شهر تو / در آن شهری که چشم‌ها در درخشش چراغ
نئون نایبناست / گویم به ده بروم که مهتاب بر لبخندم بنشیند / چه سان در شهر
تو زندگی کنم / که با تمام وجود مخالف دوز دوزه‌بازی هستم؟ / شهر تو که... / از
هر کوی و برزنی موج‌گریه به سویم روان است / دست گرم‌آشنا را نیست که می
فشارم! / دست‌ها چوبی است!

در شهر تو شیر در بند و روزگار باب روبه‌هان است / عزیزم / درس زمین ظلم
و مرداب / چه سان به غنچه گل خواهد نشست روزی / در شهر تو کفش ثروت
بر جایگاه عرش است / شهر / آهوی نازنینم برای عشق کوچک و برای رنج بزرگ
است».

۴- نتیجه‌گیری

ادبیات یکی از دانش‌های مادر است. امکان غور در آن زیاد است. ادبیات کردی
بیشتر نانوشته و کمتر بازخوانی شده است. لذا بررسی اجتماعیات در ادبیات کردی
کاری ساده نیست. جامعه‌ای با پراکندگی زیاد جغرافیایی و سیاسی، با حجم عظیمی
از ادبیات فولکلوریک، وجود لهجه‌های مختلف، عدم دسترسی آسان به منابع
مکتوب، نبود کارهای پایه‌ای و مبنا در این مورد از جمله این محدودیت‌ها هستند.
اما می‌توان گفت این ادبیات مثل هر ادبیات دیگری بازتاب روح جمعی است. این
ادبیات بازتاب طبیعت، عشق، کار و کوهستان و آیین سادگی این جامعه بوده
است. اما هر چه جامعه به پیش رفته است و تغییرات اجتماعی سریع‌تر گشته است،
ادبیات و محتوی آن نیز متحول گشته است. ادبیات قدیم و کلاسیک کردی حاصل
مساجد، روحانیون و حتی بخشی عظیم از آن حاصل محیط کشاورزی و دهقانی
است. در این دوران شاعران بیش از هر چیز مشغول شعر غنایی بودند. هر چه
زمان پیش رفته است ژانرهای ادبی بیشتر شده است و قشرهای بیشتری مشغول
تولید ادبیات کردی شده‌اند. هر چند روحانیون و روحانی زاده‌گان در این گذار
و تا کنون نقشی جدی و انکارناپذیر داشته‌اند. با تغییر جامعه، قشربندی جامعه
بیشتر شده است. غیر از ادبیات شفاهی که بازتاب شفاف افکار جامعه است و

مربوط به قشر و طبقه خاصی نیست، تغییرات در آن بسیار چشمگیر نیست و غیر از ترانه‌های عروسی، گونه‌های مختلف فولکلور در حال نابودی است. اما قالب شعر کردی مثل محتوی آن عوض شده است. اگر وزن بخشی از ادبیات کلاسیک مثل مولوی و خانای قبادی پنج‌هجایی است، قالب شعر نالی و محوی و جزیری در اوزان عربی است. شعر سواره، نیایی و بخشی از شعر امروز کردی سفید است. با آمدن ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی ادبیات نوشتاری کردی نیز از این امر متأثر گشته است. با افزایش نابرابری و وجود آگاهی انتقاد از نابرابری و استبداد نیز افزایش یافته است. امروز در ادبیات کردی وجود طبقات اجتماعی، مشکلات و موانع تحرک زنان، حقوق کودکان و رنج‌های زندگی و نامالییات زندگی انعکاس بیشتری یافته است. در این سیر تاریخی زبان اهمیتی بیش از پیش یافته است و این امر ناشی از تحولات شدید اجتماعی و حساسیت مساله هویتی است. بر همین اساس پیش از هر چیز جمع‌آوری ادبیات شفاهی و پس از آن مطالعه اجتماعی این آثار بیش از هر زمانی ضروری است.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدزاده هاشم (۱۳۸۶)، *از رمان تا ملت*، ترجمه بختیار سجادی، سنندج: دانشگاه کردستان.
۲. ارشاد فرهنگ (۱۳۹۱)، *کندوکاوی در جامعه شناسی ادبیات*، تهران: آگه.
۳. اسکارپیت، پیتز (۱۳۷۴)، *جامعه شناسی ادبیات*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: سمت.
۴. امین زکی، محمد (۱۳۷۷)، *تحقیقی تاریخی*، درباره کرد و کردستان، ترجمه حبیب الله تابانی، تبریز: آیدین.
۵. حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۷۵)، *شاعران کرد پارسی گوی*، سنندج: احسان.
۶. حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۶۴)، *گلزار شاعران کردستان (شامل آثار ۲۵۰ شاعر)*، تهران: رامین.
۷. سجادی بختیار (۱۳۶۱)، *حکایت تاریخ ادبیات کردی (تا اوایل جنگ جهانی اول)*، طرح تحقیقاتی، سنندج: دانشگاه کردستان.
۸. سرهنگ شیخ عبدالواحد (۱۳۷۸)، *کرد و سرزمین شان*، ترجمه صلاح الدین عباسی، تهران: امان.
۹. سلیمی و کهریزی (۱۳۸۷)، *ژانه ژین، لالایی مادران کرد*، تبریز: آنا.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، نشر اختران، تهران: زمانه.
۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۱۲. لوکاج گئورگ (۱۳۷۳)، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۳. محمدزاده حسین (۱۳۸۵)، *بررسی آواها و نواهای کار در استان کردستان*، طرح تحقیقاتی برای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز سنندج.
۱۴. مدرس، عبدالکریم (۱۳۶۹)، *دانشمندان کرد در خدمت علم و دین*، ترجمه احمد حواری نسب، تهران: اطلاعات.
۱۵. نیکتین، واسیلی (۱۳۶۳)، *کرد و کردستان بررسی جامع از دیدگاه سیاسی*،

جامعه‌شناسی و تاریخی، ترجمه محمد قاضی، تهران: کانون فرهنگی درایت.
۱۶. یوسفیان، جواد (۱۳۷۸)، *جزوه جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

ب) منابع کردی

۱. ئیلخانی زاده، سواره (۱۳۷۲)، *خه‌وه به‌ردینه*، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
۲. ئوسکارمان، *تحفه مظفریه*، ترجمه هیمن، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
۳. بۆره‌که‌یی، سدیق (۱۳۷۷)، *میژوووی و یژه‌ی کوردی*، I و II، تبریز: چهر تبریز.
۴. پایانیانی، سه‌لاح، (۱۳۸۳)، *کانی مرادان*، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
۵. تاله‌بانی، شیخ ره‌زا (۲۰۰۳)، *دیوانی شیخ ره‌زا*، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
۶. حه‌مه خورشید، فوئاد (۱۹۸۵)، *زمانی کوردی*، *دابه‌شبوونی جوگرافیایی دیالیکته‌کانی*، بغداد: آفاق غریبه.
۷. خلیفی، حوسینی (۱۹۹۲)، *کۆمه‌لناسی کورده‌واری*، به‌رگی یه‌که‌م، بغداد: الحوادث.
۸. سجادی، علاء‌الدین (۱۳۶۱)، *میژوووی ئه‌ده‌بی کوردی*، سردشت: معارف.
۹. قانع، موحه‌مه‌د (۲۰۰۵)، *دیوانی قانع*، کۆ‌کردنه‌وه‌ی بورهان قانع، تهران: پانیز.
۱۰. مهربوان، وریا (۲۰۰۶)، *ناسیونالیسم و سه‌فه‌ر*، ره‌ه‌ه‌ند.
۱۱. نالی، مه‌لاخدری ئه‌حه‌دی شاه‌ویسی مکایلی (۱۹۷۶)، *دیوانی نالی*، تشریح مه‌لا‌عبدالکهریم موده‌رس و فاتح عبدالکهریم، محمد مه‌لا‌کهریم، به‌غدا: کۆری زانیاری کورد.
۱۲. هیمن (۱۹۷۹)، *نالهی جودایی*، ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.

13. Uzun Mehmed (2003), *Antolojia Edebiyta Kurdi*, İstanbul: Aram.

ج) منابع لاتین

1. Nolan & Linski, G (1999). *Human society*, Paradigm publisher,

London: Boulder.

2. Turner & Steta, J. (2005) sociology of emotion, Cambridge University press.

3. Van Bruinessen, M. (2005), "Kurdish Paths to nation.", SAQE, London Politics.

4. Vali. A (2005) "The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and fragmented" ,SAQE, London.